

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد م. نسیم «اسیر»
شهر بن - المان
مارچ ۱۹۹۴ م

بستر پیری

بگرفته گریبان مرا افسر پیری افکنده به سر پنجه زورآور پیری
از موی سپیدی زده تاجی به سر من نامیده مرا پادشه کشور پیری
آرامش من ، راحت من برده بتاراج فوج غم افتادگی و لشکر پیری
دارد اثر تلخ به کامم شکر و شیر پستان به لبم داده مگر مادر پیری
بر مهر درخشان نتوان دیده گشودن تا جلوه گر بخت شده اختر پیری
در میکده ام ره ندهد رند خرابات باقامت خم گشته ولرزان سر پیری
ضعف تنم از پای فکنده ست وز حسرت لب می گزم از قند لب دختر پیری
ای عمر ز کف رفته چه انداخته ای باز چون مشت سپندم ، به دل اخگر پیری
ای درد عجب با منت آهنگ مصافست در بستر بیماری و در سنگر پیری
آن شاهد گلچهره دگر رام نگرده تادیده مرا هم سفر و همسر پیری
هر لحظه به گوشم رسد از قافله عمر این نغمه دلگیر ز رامشگر پیری
از شصت گذشتیم و شکستیم و خمیدیم ای وای ز افسانه و افسونگر پیری
آزوده دل از ریشه دست و سر و پائیم ای خاک سیه باد شود بر سر پیری

درمانده «اسیر» تو ز پرواز عجب نیست

ره یافته بر بال و پرش ، شهپر پیری